



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما السلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

آسیب شناسی

کتاب تاریخی بهائیت

و انتساب های نادرست

محمد محیط طباطبایی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

آسیب شناسی کتب تاریخی بهائیت و انتساب های نادرست

نویسنده:

محمد محیط طباطبائی

ناشر چاپی:

ماهنامه گوهر

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵ فهرست
۶ آسیب شناسی کتب تاریخی بهائیت و انتساب های نادرست
۶ مشخصات کتاب
۶ آسیب شناسی کتب تاریخی بهائیت و انتساب های نادرست
۱۰ درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

آسیب شناسی کتب تاریخی بهائیت و انتساب های نادرست

مشخصات کتاب

محمد محیط طباطبائی

مهرماه ۲۵۳۵، شماره مسلسل ۴۳

برگرفته از: ماهنامه گوهر، سال چهارم، شماره ۷

آسیب شناسی کتب تاریخی بهائیت و انتساب های نادرست

این که خواسته اند از عدد "هفت سال هزار نفر برای او جان داده اند" استفاده سال تحریر تاریخ را بکنند و عدم اشاره به حادثه ی تیراندازی به ناصرالدین شاه و قتل چند نفر را دلیل تقدم سال تألیف شمارند (چه آن واقعه به نظر ایشان به مراتب از سایر وقایع مهم تر بوده) باید در نظر داشته باشند که این تاریخ مربوط به ظهور سید باب بوده نه تاریخ بابیه و حوادث مربوط به قیام سید تا قتل او در این تاریخ آغاز و انجام می پذیرد و بعد از آن فی الواقع کتاب خاتمه یافته و حوادث مربوط به ظهور ذبیح و ظهور سید هندی پس از مرگ باب در محیط ۱۲۶۷ گویی در محیط ۱۲۷۰ بغداد ترتیب و تحریر یافته که در آن موقع ازل و بها صدر نشین مسند ریاست بابیه شده بودند و میدان از وجود مزاحم عظیم ترشیزی که خود را مطاع همگان و همه را محکوم به امر خود می دانست تهی شده بود. چنان که هنگام ذکر نام حاجی میرزاجانی در کتاب مانند شخص غایب محترمی که به دعوای سید بصیر هندی تسلیم شده شبیه این که او کتاب را تدوین کرده باشد ضعیف می سازد. توجه به برخی نکته ها که در این کتاب راجع به اصفهان یا ارض صاد به نظر می رسد، احساس و علاقه ی مولف را به اصفهان تقویت می کند. در صفحه ۱۳ از نسخه چاپی که اشاره به ملاقات خود با محمد حسین اردستانی می کند از سیاق عبارت می توان دریافت که این اتفاق در اصفهان روی داده باشد. از صفحه ی (۱۱۵ تا ۱۱۹) از سرگذشت ورود و اقامت و دید و بازدید سید باب در اصفهان طوری سخن می گوید که سطح و حجم مطالب مربوط بدین قسمت را حتی از سرگذشت شیراز هم افزون تر عرضه می دارد. در صفحه ۱۲۰ که از فوت معتمد الدوله سخن در میان می آورد می افزاید که «آن جناب (باب) نوزده روز قبل از فوت آن مرحوم (معتمد) خبر او را برای دو نفر از اصحاب نوشتند. یکی از آن دو نفر جناب آقا سید یحیی بود و ایشان در یزد تشریف داشتند. حضرت امر فرمودند به تهران تشریف فرما بشوید و حقیر در آن سفر درک فیض ایشان را نمودم و هنگامی که عالم را برف گرفته و هوا چندان سرد بود که از حد وصف بیرون چنان سروری در آن جناب دیدم که»... با مقایسه ی آب و هوای یزد و اصفهان و کاشان که بر سر یکی از دو راه یزد به تهران قرار داشتند، اصفهان با چنین وضع طبیعی مناسب تر از یزد و کاشان به نظر می رسد و این دیدار بایستی در اصفهان روی داده باشد اما پیشگویی خبر مرگ معتمد که سید باب به دو نفر از اصحابش نوشته بود، در صورتی که یکی از ایشان سید یحیی دارابی باشد سکوت از ذکر نام دومی آیا ضمیر را به کسی بر نمی گرداند که در اصفهان بر چنین حادثه ای وقوف یافته و در تاریخ خود نقل کرده است؟ ارتباط قضایایی از حوادث کتاب به اصفهان بنا به گفته آقای خزان لازمه اصفهانی بودن مولف آن نیست ولی وقتی می خوانیم و می نگریم که حاجی میرزا جانی از کاشان به تهران آمد و در حضرت عبدالعظیم متوقف شد و بنا به نوشته ی میرزا ابوالفضل تاریخ را در آن قریه نوشت دیگر زمینه ای برای ربط دادن حوادث زندگانی او با اصفهان خالی نمی ماند و آن وقت که در ۱۲۶۷ به فتنه ی بصیر دچار و در کاشان به حمایت و ترویج سید بصیر می پرداخت و مولف کتاب از تأثیر فتنه در ارض صاد (اصفهان) به خصوص سخن در میان می آورد و به شش ماه بقای فتنه و رفع آن بعداً اشاره می کند. در آن جا که از فرار چند تن از اتباع سید یحیی از فارس سخن می گوید (در صفحه ی ۲۲۹ چاپی) مانند شاهد عینی محلی می نویسد که «در حوالی اصفهان دستگیر شده و به شیراز

بردند» وقتی ما از تأیید نسبت این کتاب به حاجی میرزا جانی عجز آوریم و مولف آن را به طور مسلم نشناسیم و در صدد بر آیم از قرائن موجود در اثنای مطالب کتاب برای تشخیص مولف استفاده کنیم مولف در بادی امر کسی به نظر می رسد که با اصفهان، ارتباط خاصی داشته و هنگام اقامت سید باب در آن شهر با دستگاه معتمد بی ارتباط نبوده وقاعدتاً بایستی او از اهل آن ولایت باشد. مولف در صفحه ی ۱۱۱ نسخه ی چاپی می نویسد: شخص امینی از سلسله ی تجاری معروف به حسن فطرت بود و به مطانت و هوشیاری مشهور از اهل ولایت این حقیر بوده و حکایت نمود ... بعد از آن در مدینه به خدمتش مشرف شدم و شناختم و همان شخص خوابها دیده و مصدق گردید.» در تعریف و توصیفی که از این شخص اهل ولایت خود کرده اغراق و مبالغه ای وجود ندارد که بتواند او را از تطبیق با مولف کتاب دور کند و در اینجا موردی برای ذکر آغاز پیوستگی خود بدین فرقه یافته و به اجمال بیان کرده است در حاشیه ی نسخه ی اصلی در همین موضع از کتاب به خط دیگری ولی در روزگار قبل از انتقال نسخه به پاریس که بر تاریخ انتقال بایان از بغداد به ادرنه مقدم بوده کسی این هم ولایتی مولف را معرفی کرده و نوشته است: «آن شخص جناب حاجی محمد رضا ولد حاجی رحیم مشهور به مخملباف بوده که به تجارت مشغول بود. از زمان تصدیق الی مدت دوازده سال (۱۲۷۲) حیات داشته، خدمات بسیار بر ایشان رسیده، مکرر در حبس افتاده و خلاصی یافته تا در سنه ۱۲۷۴ وفات یافته. این قسمت در پاورقی صفحه ی ۱۱۲ از نسخه ی چاپ برون مندرج است. یادداشتی که در حاشیه ی این ورق اصل کتاب ثبت شده به طور مسلم تاریخ تحریرش بر تاریخ نامه ی ازل به برون که در ۱۳۱۰ نوشته شده بیش از سی سال و بر تاریخ نامه عباس افندی به میرزا حسین طالقانی که در ۱۳۳۲ نوشته شده شصت سال تقدم زمانی دارد و گوئی این محمدرضا ولد حاجی رحیم همان محمد رضای اصفهانی باشد که دیدار بهاء با سید اسمعیل زواره ای در بغداد در خانه ی او صورت گرفت و عبدالبها به اعتبار ارتباط نام محمد رضا با نام سید اسمعیل زواره ای او را پسر حاج اسمعیل ذبیح کاشانی پنداشته و به وجود اوراقی از کتاب حاجی میرزا جانی در بغداد پیش او اشاره کرده و هم چنین میرزا یحیی هم به عنوان مبهم حاج محمد رضای نامی تاجر اصفهانی اراده ی تحریر تاریخی را به او نسبت داده است. بنابر این قرائن موجود در اصل نسخه ما را به اصفهانی بودن مولف کتاب پیش از کاشانی بودن او دلالت می کند و وجود نام محمد رضا در حاشیه نسخه اصل کفه انتساب کتاب را بدو در مقایسه با حاجی (میرزاجانی) مرفوع کاشانی یا جناب نقطه کافی سنگین تر می سازد و مساعی آقای خزان برای رد انتساب کتاب تاریخ قدیم به مولف اصفهانی بر اساسی تکیه ندارد. اصرار خزان در رساله ی زیراکس شده بر این که عبدالبهاء "عباس افندی" هنگام گرد آمدن بایان در بغداد بیش از ده سال نداشته و از حیث سال و تجربه هنوز در خور حفظ وقایع نبوده است با آن چه در گزارش میرزا بزرگ قزوینی ژنرال کنسول ایران که صورت آن در مجله وحید انتشار یافت درباره ی او نوشته شده سازش ندارد. چه نماینده ی سیاسی ایران در بغداد به حضور پسر میرزا حسینعلی همراه میرزا موسی برادر او برای مذاکره با وی در باره ی بایان و اشاره به هوشیاری و زرنگی پسر چنین می رساند که عباس در آن مقطع قابل حفظ وقایع برای نقل در روزگار پیری بوده است همان طور که او در نامه ی خود به میرزا حسن ادیب طالقانی موضوع وجود اوراقی از حاجی میرزاجانی را در پیش محمدرضای بابی مقیم بغداد به یاد آورده و آنها را مسوده یا یادداشت های تاریخ مزبور می پنداشته است. بنابر این اعتراض بر غفلت عباس افندی هم چون عمویش ازل از وجود تاریخ قدیم هنگام انتشارش در ۱۹۱۰ به جا بوده و ملاحظه ی آقای خزان درباره ی عدم کفایت عبدالبها برای ضبط وقایع بی مورد است. آقای خزان در نسخه ی زیراکس شده از نقد خود می گوید: «در سراسر کتاب ادنی قرینه ای بر این که در بغداد تألیف شده باشد وجود ندارد» در صورتی که اگر به محتویات صفحه ی ۲۳۸ تا ۲۴۴ مربوط به ترجمه ی حال ازل و صفحات ۲۵۲ تا ۲۶۱ که مشتمل بر داستان ظهور ذبیح قناد و قیام بصیر هندی است با دقت نظر می نگریستند و اوضاع و احوالی را که این حوادث در زیر تأثیر آنها انشا شده از نظر تحلیل و تجزیه می گذراند قبول این که صفحات مزبور در کاشان یا اصفهان و حضرت عبدالعظیم در دوره ی مرجعیت تامه و ریاست مطلقه ی شیخ علی عظیم قلمبند شده باشد یا محظوراتی مواجه می گردیده که با مطاعیت مطلق

عظیم سازش پیدا نمی کرد. در صورتی که میرزا حسینعلی بها و میرزا یحیی ازل از حیث موقعیت مذهبی و میزان دخالت و نفوذ در قضایای امری در مندرجات این کتاب وضعی متناسب با دوران اقامت بغداد ایشان دارند که پس از کشته شدن عظیم و از میان برداشته شدن شخصیت مرتبه ی اول بایبه، در موقع اجتماع بقیه ی بایبان در بغداد موقعیت ممتازی یافته بودند. این حادثه که در صفحه ۲۵۷ کتاب چاپی دیدار بصیر هندی از بها را وصف می کند. «بعد از آن روانه به ارض اقدس (تهران) گردیده و جهت قرب به جوار حضرت وحید (میرزا یحیی) و درک شرفیابی فیض حضور با هر النور حضرت بهاء الامکان را نمود. من بعد از آن که وارد شدند حضرت بهاء از جهت امتحان ایشان بنای قهر و ناز را گذارده و باب التفات ظاهری را بر روی ایشان بسته و مطلقاً راه نمی دادند. چون که جناب بهاء دیدند که در طریقه ی محبت صادق است و شیوه ی وفا را مرعی می دارند لهذا نقاب از چهره ی اشفاق برداشته و طلعت مرحمت را ظاهر نموده تجلیات ربوبیت آن بهاءالرضوان درهیکل عبودیت ایشان متجلی گردیده خلاصه آن که جناب بصیر ادعای رجعت حسینی نموده و عریضه ای به خدمت حضرت ازل و جناب بهاء در باب ظهورات خود عارض شده... با سنجش اوضاع و احوال بایبه در ۱۲۶۷ که جناب عظیم مرکز توجه موافق و مخالف و مورد تعقیب شدید مأمورین امیر کبیر قرار گرفته و در کنار وجود او هنوز صاحب ادعا و مقامی شناخته نشده بود و میرزا حسینعلی در صدد زیارت عتبات برای سنجش سید قلاوی و بعد از بصیر بود و میرزا یحیی هم در خفیه به سر می برد و قره العین به جناب عظیم چنین عریضه عرض می کرد: (روبروی صفحه ۱۴۰ نسخه چاپی) «ایها الاحب الاعظم من التوصیف ... ان اسمہ العظیم کان هیکلاً طلسمیاً و قد کان من احرف وجهه الحق ... و به تویق سفارش سید باب در حق عظیم اشاره می کند که «واصطفیناه للقیام مقام الحق الارفع الاعلی علیاً و هو اعظم من يعظم اهل الانشاء کلياً و اعلى من بهاء اهل النبء جميعاً» و در آن نامه به عظیم خطاب می کند «فانت انت اهل الحق القائم بامر الحق» چگونه در چنین محیطی چنان وضعی که بیشتر به سال ۱۲۷۰ بغداد و دیدار سید اسمعیل زواره با بها در خانه ی محمد رضا شباهت دارد زمینه ی ظهور می یافت؟ انتساب تاریخ قدیم بایبه به حاجی میرزا جانی نخستین بار به وسیله ی میرزا ابوالفضل گلپایگانی صورت گرفته که آن را به میرزا حسین منشی مانکجی بدین اسم و رسم معرفی کرد در متن تاریخ جدید که پیش از سال ۱۲۹۵ از روی تاریخ قدیم انسلاخ و اکتتاب یافته بارها بدین اسم تصریح شده است. برون این نام را از روی تاریخ جدیدی که نسخه ی خطی آن را در سال ۱۳۰۵ در شیراز به دست آورده بود و در سال ۱۳۱۰ چاپ ترجمه ی انگلیسی آن را به اتمام رسانید برای اولین بار دید و همواره طالب مشاهده ی اصل آن بود تا آن که به نسخه ای از تاریخ بایبه که در کتابخانه ی ملی پاریس وجود داشت دست یافت و از روی شباهت حوادث و احیاناً وجود عین عبارات یکی در دیگری، آن را همان تاریخ منظور خود شمرد و در تعلیقات خود به مقابله آن با تاریخ جدید پرداخت. بدیهی است این پیش درآمد، سالها مقدم بر مأموریت نیکولا در تبریز و تألیف کتاب زندگانی باب از طرف او در ۱۳۲۳ قمری، یعنی پانزده سال پس از چاپ ترجمه انگلیسی تاریخ جدید و معرفی نسخه تاریخ قدیم کتابخانه ی ملی پاریس بوده است. پس میرزا ابوالفضل پیش از برون و برون پیش از نیکولا- به این کتاب نام کتاب حاجی میرزا جانی داده بودند و ملاحظه خزان در این باره هم دور از صواب است. وقتی مقاله ی مجله ی یغما (شماره ی سال هفدهم) راجع به تاریخ حاجی میرزا جانی و تلخیص آن برای استحضار جناب سید محمد علی جمال زاده نوشته می شد هنوز به عکس اصل نسخه های پاریس از تاریخ قدیم و نسخه ی نظنز و نسخه ی ناقص کرمان (مجموعه ی روحی کرمانی) از تاریخ قدیم دست نیافته بودم و در صورت مقدمه یا رساله ی نقطه الکاف را در پایان نسخه ای از بیان که به دستور گوینو در دوره ی دوم مسافرت او به ایران نوشته شده با تبصره ی حاشیه ی آن ندیده بودم و هم چنین به مطالعه ی تحریر نبیل قاینی از تاریخ جدید به خط دستش در ۱۲۹۹ و ۱۳۰۰ و هم چنین نسخه ی اصلی تاریخ جدید به خط میرزا حسین تهرانی برای مانکجی که در بمبئی موجود است موفق نشده بودم و به ملاحظه ی عکس نسخه ی تاریخ جدید اساس ترجمه برون و چند نسخه ای که در مجموعه شادروان علی روحی جود داشت نرسیده بودم در این صورت به اتکای تلخیص کوتاه منسوب به نبیل قاینی که در دست بود و شهادت صبحی و آواره از

مبلغان برگشته از بهائی گری درباره ی تاریخ نبیل زرنندی که بعد هم نوشته صبحی در پیام پدر و آواره در کواکب الدریه گفته های آنان را تأیید نمی کند، استنباطی نارسا درباره ی تخلص و تحریر تاریخ جدید از قدیم شد که پس از مراجعه ی بدین مدارک نویافته و نو دیده خط "نه" بر آنها کشیده و دریافتیم که: خوی تبلیغ در کسی چون نشست تا نمیرد نمی رود از دست بنابر این تجدید ذکر مقاله یغما که خط بطلان در مقاله دیگری بر آن کشیده شده بود در مقاله خزان کار بیهوده ای بوده و تأثیری در کیفیت موضوع بحث ما نمی بخشد. در پایان سخن باید نظر خزان را در باره ی سوء استعمال کلمه ی توقع درباره ی مکتوب ازل و عدم تجدید نظر در تاریخ قدیم هنگام اقامت بایان در ادرنه ی در فاصله ۱۲۸۰ تا ۱۲۸۵ را بپذیریم ولی این دو نکته به اساس دو موضوع که سلب نسبت تاریخ قدیم به جناب نقطه کافی یا حاجی میرزا جانی کاشانی باشد و هم چنین توجه دسته ای از بایان در ادرنه به جلب رضایت درباره ی قاجار در اختیار خط مشی سیاسی دو گانه ای برای معامله با داخلی یا خارجی به هیچ وجه آسیبی نمی رساند. چنان که اشاره ی شد میرزا ابوالفضل و همکار او میرزا حسین منشی مانکجی در انتساب تاریخ قدیم بایه به حاجی میرزا جانی بر برون و قزوینی و نیکولا مقدم بوده اند. ولی تسمیه کتاب مزبور و نقطه الکاف استنباط شخص برون از قسمت مقدمه این کتاب در نسخه موجود کتاب ملی پاریس بوده است. زیرا مولف آن مقدمه که خود را صاحب اسم و رسمی نمی دیده برای رساله ای که در باب اصل دین از توحید و غیره و نه تاریخ پرداخته نام نقطه الکاف را برگزیده است. بدین عبارت (صفحه ی ۵ نسخه چاپی): «چون که در ابتدای این کتاب ذکر مقام نقطه ی بسیار گردید و اصل نوشتن این رساله در باب توحید و ذکر مبدأ و معاد که اصل دین می باشد نوشته می شود نام این کتاب را نقطه الکاف نمودم به دو جهت یکی آن که خود را صاحب اسم و رسمی نمی دانم تا ذکر خود را بنمایم زیرا که ذکر خود را در بی ذکری می شمارم. دوم آن که مسطور گردید (در صفحه ۴) که نقطه را پنج مقام می باشد و آن مقام ها (۵) و (۵) چهار مرتبه که ترقی نمود کاف (ک) ۲۰ می شود. و کاف چهار نقطه است کاف حرف اول کن می باشد و کاف دوم یکون و غیب و شهادت کاف (۲ ضربدر ۲۰) میم است (۴۰) که ذکر (میم) مشیت می شود که اول امکان به مشیت شیئیت به هم رسانیده و لهذا اسم نقطه الکاف حقیقت دارد و لهذا در صدر کاف اول نقطه گذارده ام (نقطه الکاف ...). و بعد ذکر توحید و نبوت و ولایت و شیعیان در خطبه شده است و انشاءالله تبارک و تعالی تفصیل خطبه را ذکر خواهیم نمود در یک مقدمه و چهار باب مذکور می شود. که در این قسمت موجود از رساله پیش از مقدمه و باب اول از چهار باب عنوان نشده و قرینه می نماید که این رساله ی تألیف نقطه ی کافی یا حاجی کاشانی اصولاً تنظیم و ترتیب نهائی نیافته و تکمیل نشده به دست کسی افتاده که آن را در دیباچه ی تاریخ قدیم بایه ثبت و ضبط کرده است چه بسا همان اوراقی که به خط حاجی میرزا جانی در پیش محمد رضای تاجر اصفهانی در بغداد وجود داشته و عبدالبها بدان در نامه خود به ادیب طالقانی ایادی اشاره کرده است اوراق پراکنده ی همین رساله بوده که محمد رضا برای حفظ و ضبط، آنها را در آغاز تاریخ قدیم ثبت کرده تا از پراکندگی و نابودی در امان بماند. همان طور که دیگری هم صورتی از آن را در پایان نسخه ای از بایان برای وزیر مختار فرانسه نوشته تا بماند و همین نقل دقت دیگری را بر انگیزته تا در حاشیه نسخه مذکور اعلام کند که این رساله از متن بیان جداست. اما محمد رضا این احتیاط را نکرده و در نسخه ای که امروز در کتابخانه ی ملی پاریس محفوظ مانده مقدمه تاریخ قدیم را تشکیل می دهد. پروفیسور برون با وجود درک اختلاف زمان نگارش رساله ۱۲۷۰ با ۱۲۶۷ تألیف متن کتاب تاریخ، بدون توجه به سایر موارد معهود قابل ملاحظه، هر دورا یک اثر و از یک مولف پنداشته و در نتیجه ی نام نقطه الکاف رساله ی کلامی را به تاریخ منظم به رساله مقدمه، بخشیده و هر دو را به جای یک اثر پذیرفته و به تقلید گلپایگانی و میرزا حسین منشی مانکجی به حاج میرزا جانی کاشانی صاحب رساله مقدمه نسبت داده است. این تخلیط از راه چاپ و انتشار تاریخ تعمیم مزبور بدان درجه یافته که اینک قبول چنین حقیقتی حتی برای استاد کرسی تاریخ دانشگاه هم.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیفزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار- ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی

دیگر

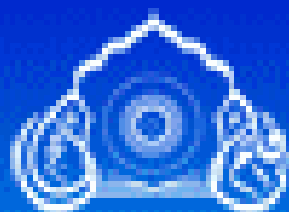
ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۰۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند

مسجد جمکران و ...



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

